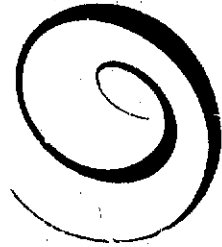


حافظ چندین هنر



- ۳ -

موسیقی‌دان دیگر بنام حافظ شیخ بود در خوانندگی سرآمد خوش الحانان ولایت ماوراء النهر و خراسان ، و به ناله حزین و نعمات سحر آفرین ، داغ نه سینۀ آسوده دلان بود ... ولولیان کابلی - که در شیوه رقص و حرکات سرآمد اهل اصولند خلاصه و زبده ایشان « آقا ماه » کابلی بود (۱) با چند لولی شیرین کار شورانگیز ، (۲) و گمان من آنست که حافظ خورد نیز که محبوب القلوب طبایع بود ، (۳) از نمونه همین خوانندگان بوده است . بعد از ۹۹۹ هـ (۱۵۹۰ م) حافظ محمد مقیم جبرئیلی و کمال الدین - عودی و محمد حسین طنپوره ... به سیستان آمده بودند ، بلبلان گلزار را از نغمه سرائی معاف داشته ، به هزار ترانه به نغمه مشغول شدند ، و الحق حافظ محمد مقیم ، در خوانندگی و گویندگی مسیح صفتی بود که به آواز ، مرده فرسوده را زنده کردی و دل افسرده را چنان گرم سوای مجاز ساختی که

۱ - کلمه « کولی » همان صورت خفیف کابلی است و کولی‌ها منسوب

به کابلند .

۳ - ایضا ص ۳۲۷

۲ - احیاء الملوك ص ۳۶۷

گرم روان مقام حقیقت که از مرتبه مجاز به آشیان حقیقت جای یافته بودند ، باز به مقام لازم الاعزاز مجاز و نهادندی و مستغرق دریای وجد و حال شدند ، درین دوسه قرن ، مانند او زمزمه سازی قدم در دایره نغمه سرایی تنهاده بود. (۱)

قرن نهم و دهم هجری که روزگار طلایی خراسان و هرات محسوب می شود ، موسیقی دانان فراوان پرورش داده بسوده است که باز میتوان از « حافظ شربتی » نام برد . امیرعلیشیر گوید : « حافظ شربتی ، از مردم متعین خراسان است ، او در خوش طبعی فرید زمان و یگانه دوران بود . و بسیار متواضع و مؤدب و نیکو مشرب . در زمان سلطان ابوسمید به زیارت مکه رفت . حافظ در علم موسیقی علم بود ، و نقش ها و تصنیف های او در میان مردم مشهور است . مولانا جنونی هروی ، حافظ شربتی را هجو گفته و هجو او مشهور است. (۲)

باز از حافظ باباجان تربتی خوش نویس نقار استاد وزرافشاننده در استخوان و سازنده عود و شترغو ، و هم چنین از حافظ مجلسی تبریزی خویش نویس نقار و نوازنده قانون و شترغو و هم از حافظ خوسرود فراقی تبریزی نقاش و خواننده و شاعر و هم چنین از حافظ صابر نام برده شده است (۳). از این گونه موسیقی دانان یکی « حافظ نائی » ، دیگری « حافظ جامی » نام داشتند که از رامشگران مخصوص شاه بودند (۴). علاوه بر اینها از « حافظ احمد قرظینی » در جزء مطربان و نغمه سرایان عهد شاه عباس اول نام برده شده است ، (۵) و همچنین حافظ جلال باخواری که باز از همان خوانندگان بود ، منتهی « او را به تسنن متهم می داشتند ، شبی شاه با

۱ - احياء الملوك ص ۳۲۹

۲ - ترجمه مجالس النفايس ص ۱۹۴/۹۲/۱۹

۳ - محمد تقی دانش پژوه ، مجله هنر و مردم ، مرداد ۱۳۴۹

۴ - زندگانی شاه عباس اول ج ۲ ص ۲۴۵

۵ - ترجمه تاریخ ادبیات برون ، رشیدیاسمی ، ج ۲ ص ۸۸

جمعی از نزدیکان و ندیمان خویش به باده گساری و شنیدن ساز و آواز نشست ، و این مجلس بزم از نیمه شب گذشت و به نماز صبح کشید . بامداد روز دیگر چون مجلس بزم تازه شد ، شاه روی به حافظ جلاجل کرد و گفت : امشب خوب نشستم . حافظ باخرزی جواب داد : شهریارا ، شما که خوابیدید ، من تا نماز نکرده ام نخوابیدم . شاه گفت : بارک الله ، کاردست بسته ای کرده ای؟ و ایمن مطایبه اشاره بر سنی بودن اوست که بادست بسته نماز خوانده است. (۱)

از همین نمونه نوازندگان دربار شاه عباس بزرگ باید نام برد «حافظ مغنفر قمی» و «حافظ هاشم قزوینی» (۲) و استاد محمد مؤمن طنپوره ای را که به «حافظک» معروف بوده است (۳) و این حافظک را ظاهراً به تحسین چنین خوانده اند نه تصغیر. (۴)

در زمان صفویه خصوصاً به موسیقی دانان توجه میشد، چنانکه شاه عباس بزرگ در سال ۱۰۱۷ هـ (۱۶۰۸ م) برای چندتن از موسیقیدانان عصر خود خانه های خاص در یک محله ساخت و آنجا را «محله نغمه نامیده» (۵) و این نخستین برنامه خانه سازی برای کوی هنرمندان در تاریخ ایران است .

در مورد وضع موسیقی دانان عصر شاه عباس ، اسکندر بیسک منشی ، بحث جالبی دارد . او گوید : چون حضرت شاه جنت مکان از مناهری اجتناب تمام می نمود ، ادبای طرب را در نظر شریعت وقعی و اعتباری نمانده بود ، و جمعی که سمت ملازمت اشراف داشتند ، اخراج فرموده ، سوی استاد حسین شوشتری بلیانی و استاد حسن سرنائی نقاره خانه همایون کسی ازین طبقه ملازم نبودند .

در اواخر حیات ، به مظنه آنکه مبادا شاهزادگان به صحبت ایشان رغبت نمایند ، بعضی از افراد که لله و دده اند ، طبیعت به عادت داده با وجود ایشان در اردو باعث میل و رغبت به منهیات گردد ، مشاهیر این طبقه را که در اردو بودند مثل حافظ احمد قزوینی که در گویندگی طاق و در پیش آواز و نمک خوانندگی شهره آفاق بود و حافظ لله تبریزی و غیر هم از اردو اخراج

۱- زندگانی شاه عباس اول، ج ۲، ص ۲۴۹

۲- ترجمه تاریخ ادبیات برون، ج ۴، ص ۸۸

۳- زندگانی شاه عباس اول، ج ۲، ص ۲۴۵

۴- از نوع لقب حسنک برای حسن بن میکال وزیر سلطان محمود غزنوی

۵- زندگانی شاه عباس اول، فلسفی، ج ۲، ص ۲۴۵

کردند و استاد حسین سرنائی را چون به مجالس می‌رفته ، گرفته ، چند ماه محبوس کردند و آخر قسم دادند سوای سرناکه درنقاره خانه همایون نوازند ، در جای دیگر نتوازند .

حافظ جلاجل که خوانندگی و گویندگی را جمع کرده ، در هر شیوه مرتبه کمال داشت و در زمان اسماعیل میرزا چالچی باشی شد و در زمان حضرت اعلی قرب و منزلت تمام یافته ، در دارالسلطنه قزوین ، آهنگ سفر آخرت سازداد .

حافظ مظفر قمی ، قرارداد خاطر است که خوانندگی مخصوص اهل خراسان و گویندگی مخصوص اهل عراق است و حافظ مظفر - اگر چه از اهل عراق بود اما به روش خراسان خوانندگی کردی .

حافظ هاشم ، اگر چه در آن زمان در جنب دیگران نبود و زیاده شهرتی نداشت ، اما در اواخر ترقی نمود و شعله آوازش زیاده برفلک می کشید ، و در خدمت نواب شاهزادگی مغفور سلطان حمزه میرزا قرب و منزلت تمام یافته ... (۱)

شاید در مورد **حافظ صابونی** که اشعاری نیز داشته بتوان چنین انتسابی قائل شد . احتمالاً ، **حافظك سلطان** خبوشانی (قوچانی) نیز از این گروه بوده است . و نور محمد خان ازبك ، والی اورگنچ ، به دلالت حافظك سلطان خبوشانی خود را از آن ولایت بیرون انداخته ، روی ارادت به آستان سدره نشان شاهی (شاه عباس) آورد ، (۲) . و عجیب اینست که عاقبت همین نور محمد خان ، حافظك سلطان را به قتل آورد . (۳)

بنظر من **حافظ جمال الدین محمد** ، از مشایخ خانقاه اخلاصیه که **خطیب و حافظ و محراب** خوان بود و از خوشنویسان بوده (۴) نیز هنر خوانندگی را داشته است و این عبارت **محراب خوان** ، صفت موسیقی دانی اوست ، منتهی ، الان نمیتوانم بگویم که چه نوع خوانندگی بوده ، دعا خوانی؟ نوحه خوانی؟ قرآن خوانی در محراب؟ و یا امثال آن .
(قسمت آخر این مقاله در شماره بعد مطالعه فرمائید)

۱- عالم آرای عباسی ص ۱۹۰

۲- ایضاً عالم آرا ص ۴۶۴

۳- ایضاً ص ۶۰۲